

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویچسلاو زیلانوف* (Vyacheslav Zilanov)

برگردان: ا. م. شبیری

۱۴ جنوری ۲۰۲۳

پایان مرحله اول درگیری در اوکراین، آغاز جنگ جهانی؟



سالگرد آغاز مرحله اول درگیری نظامی در شرق اوکراین که در روسیه آن را عملیات ویژه نظامی می‌نامد، نزدیک است. پس از گذشت چنین مدت طولانی، تکمیل عملیات ویژه نظامی، علی‌رغم این که بر اساس منابع مختلف، تلفات انسانی آن از ۴۰۰ هزار کشته و مجروح از هر دو طرف فراتر رفت، هنوز قابل مشاهده نیست.

در جریان درگیری، چهار منطقه بزرگ - جمهوری‌های خلق لوگانسک، دانتسک و مناطق خرسون و زاپاروژییه، با مساحتی در حدود ۱۰۹ هزار کیلومتر مربع و با جمعیت تقریباً ۸.۸ میلیون نفر شرق اوکراین را ترک کردند. همه آن‌ها به دنبال نتایج همه‌پرسی و فرمان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه به روسیه ملحق شدند. در عین حال، بخش‌هایی از این مناطق هنوز تحت کنترل نیروهای مسلح اوکراین هستند و اکنون نیروهای مسلح روسیه به آزادسازی سرزمین روسیه از اشغال رژیم کی‌یف ادامه می‌دهند. این امر می‌تواند انگیزه برای رویارویی نظامی را تغییر دهد.

سرزمین‌های جدید که بر اساس نتایج همه‌پرسی و فرمان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور به فدراسیون روسیه پیوسته‌اند، بخشی از خاک روسیه هستند.

لازم است به این واقعیت‌ها حداقل ۸ میلیون نفر پناهنده اوکراینی به کشورهای اروپا و آمریکا و تا ۵ میلیون نفر پناهنده اوکراینی به روسیه نیز اضافه شود.

همه این‌ها تأکیدی هستند بر فاجعه‌ای که در اوکراین اتفاق می‌افتد. این درگیری، همانطور که معلوم شد، در واقع درگیری بین اوکراین و روسیه نیست، بلکه بین «غرب جمعی به رهبری ایالات متحده» با روسیه، مردم و رهبری کشور است. علاوه بر این، آتش این جنگ را «غرب جمعی به رهبری ایالات متحده» برافروخت. این واقعیت را خود رهبران غربی، چه سابق و چه فعلی، تأیید می‌کنند و تأیید کرده‌اند که هدف واقعی توافق‌های مینسک در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ چیزی بیش از یک ریاکاری وقیحانه و از پیش برنامه‌ریزی شده دیپلماتیک برای فریب مسکو نبوده است.

هدف واقعی این بود که «غرب جمعی به رهبری ایالات متحده» رژیم نازی کی‌یف را به عنوان رژیم شبه‌نظامی پیشرفته برای عملیات نظامی واقعی در شرق اروپا علیه مردم روسیه و رهبری آن آماده کند. این اقدامات باعث رویارویی نظامی مردم اسلاو در قلمرو خود شد.

لازم به یادآوری است که کانون‌های آتش جنگ‌های جهانی اول و دوم نیز از اروپای غربی سرچشمه گرفتند. هدف اصلی آن‌ها از بین بردن روسیه امپراتوری، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، روسیه سرمایه‌داری کنونی و کل مردم اسلاو بود. این طرح شامل تقسیم روسیه به چند کشور کوچک وابسته به «غرب جمعی به رهبری ایالات متحده» و تصاحب نهائی منابع طبیعی کشورمان توسط شرکت‌های بین‌المللی بود و هنوز هم هست.

اگر در مرحله اولیه دو طرف درگیری- اوکراین و روسیه بودند، در طول عملیات نظامی، بیش از ۳۰ کشور عضو ناتو به رهبری ایالات متحده، آشکارا از کی‌یف حمایت کردند. اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها از نظر سرزمینی در اروپای غربی واقع هستند.

در نتیجه، در حال حاضر، ما در واقع، ناچاریم پوسته کلامی دیپلماتیک را کنار بگذاریم و عملیات نظامی در بخش‌هایی از جمهوری‌های خلق لوگانسک و دانتسک و مناطق زاپاروژیه و خرسون به مثابه بخشی از قلمرو روسیه را جنگ بین روسیه و ائتلاف مناطق چهارگانه با اوکراین و مشارکت فعال ناتو به فرماندهی ایالات متحده آمریکا بنامیم. از این اتحادیه دوم اغلب در رسانه‌ها با عنوان «غرب جمعی به رهبری ایالات متحده» یاد می‌شود. درگیری نظامی به دلیل این که تقریباً به کل خاک اوکراین گسترش یافته، به طور اجتناب‌ناپذیر به آستانه اروپای غربی نزدیک می‌شود.

سهام کشورهای عضو ناتو- اکثر کشورهای اروپایی به رهبری ایالات متحده در جنگ اوکراین شامل تأمین مالی و تجهیزات نظامی، فرماندهان عملیاتی، اطلاعات، از جمله ماهواره و برنامه‌ریزی تاکتیکی عملیات جنگی نیروهای مسلح اوکراین و همچنین مشارکت شهروندان مزدور این کشورها در درگیری‌ها می‌باشد.

سهام رژیم نازی کی‌یف نیز عبارت است از: «تلقین» ایدئولوژیک به جمعیت، تأمین منابع انسانی، سرزمینی و زیرساختی اوکراین در عملیات نظامی و اجرای دستورالعمل‌های ناتو توسط نیروهای مسلح اوکراین.

چنین تحول وقایع، از پایان مرحله اول درگیری، یعنی پایان مرحله‌ای که فقط اوکراین و روسیه طرفین مناقشه بودند، گواهی می‌دهد. مرحله دوم از زمانی که کشورهای عضو ناتو به رهبری ایالات متحده به عملیات نظامی در اوکراین پیوستند، آغاز شده است. طرف دوم با مشارکت خود در جنگ تأیید کرد که هدف آن‌ها گیراندن آتش جنگ بین اسلاوها، دقیقاً در قلمرو خود آن‌ها در شرق اروپا است.

سیاستمداران داخلی، دیپلمات‌ها و حتی رسانه‌ها اغلب این گونه اقدامات «غرب جمعی به رهبری ایالات متحده» برای حمایت رژیم اوکراین را به عنوان مشارکت در «جنگ ترکیبی»، «جنگ نیابتی» تعریف می‌کنند. اما وقت آن است که

این «برگ‌های انجیر» را کنار بگذاریم و مستقیماً «غرب جمعی با رهبری ایالات متحده» را همراه با رژیم نازی کی‌یف به عنوان همدست مستقیم در عملیات نظامی در اروپای شرقی علیه روسیه نامیده و محکوم کنیم. اگر جلوی آن‌ها گرفته نشود، رویارویی نظامی به اروپای غربی گسترش خواهد یافت و به این ترتیب، تمام جهان به جنگ جهانی سوم کشیده خواهد شد.

در این شرایط، جلوگیری از گسترش رویارویی نظامی جاری بین «غرب جمعی با رهبری ایالات متحده» و روسیه تا جنگ جهانی سوم و ممانعت از درگیر کردن کشورهای اروپای غربی در این جنگ جهانی بسیار مهم است. جنگ جهانی سوم، به باور من، طرح واقعی ایالات متحده است. می‌گویند اجازه دهید اتحادیه اروپا، اوکراین و روسیه با هم بجنگند، ولی ما- ایالات متحده، دور از آن‌ها بنشینیم و امور اقتصادی و مالی خود را همانطور که در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم، به قیمت سفارش به مجتمع صنایع نظامی امریکا سامان دادیم، بهبود بخشیم.

باید اعتراف کرد که در حال حاضر پیش نیازهای لازم برای هدایت رویارویی نظامی به مسیر راه های حل مسالمت‌آمیز هنوز مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این، **ینس ستولتنبرگ**، دبیرکل ناتو، چندین بار هدف ستراتیژیک «غرب جمعی با رهبری ایالات متحده» مبنی بر پیروزی کامل رژیم کی‌یف در مقابل روسیه در این رویارویی نظامی را آشکارا اعلام کرده است. علاوه بر این، رژیم کی‌یف اعلام کرده که هیچ قصدی برای انجام مذاکرات صلح با روسیه ندارد. هدف آن تداوم تلاش برای احیای مرزهای سابق خود از طریق ابزارهای نظامی است.

هدف ستراتیژیک روسیه نیز که از سوی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور فدراسیون روسیه در همان ابتدای عملیات ویژه نظامی در ۲۴ فبروری ۲۰۲۱ اعلام شد، روشن است و از آن زمان تاکنون تغییر نکرده است. و آن عبارت است از: «نازی‌زدایی و غیرنظامی کردن اوکراین»!

طبیعتاً روند رویدادهای نظامی به رهبری روسیه حکم می‌کند که برای دستیابی به هدف ستراتیژیک اصلی خود تصمیمات تاکتیکی بگیرد. در حال حاضر، این هدف مقدم بر همه، آزادسازی آن بخش‌هایی از قلمرو روسیه، یعنی بخش‌هایی از جمهوری‌های خلق لوگانسک، دانتسک و مناطق خرسون و زاپاروژیه است که تحت اشغال رژیم کیف بوده و هنوز هم هستند. فقط پس از آزادسازی کامل این سرزمین‌های روسیه از اشغال رژیم کی‌یف تحت حمایت کامل «غرب جمعی با رهبری ایالات متحده»، به نظر می‌رسد، پیش نیازها برای انجام مذاکرات صلح بدون هیچ واسطه با کسانی که ممکن است بتوانند تا آن زمان مذاکره کنند، فراهم خواهد شد. خود اسلاوها باید راهی برای صلح در سرزمین خود بجویند.

با مقایسه دستورالعمل‌های ستراتیژیک اصلی طرفین، من معتقدم خواننده به این نتیجه خواهد رسید که در این شرایط، پیش‌نیازهای راه حل مسالمت‌آمیز درگیری از سوی سیاستمداران هنوز قابل مشاهده نیست. در این شرایط، قبل از هر چیز، فقط حرف مردم اوکراین و اروپای غربی برای تحمیل صلح به رژیم کی‌یف و «غرب جمعی با رهبری ایالات متحده» تعیین‌کننده خواهد بود.

اعتماد رژیم کی‌یف به این که برای پیروزی در آن فقط به منابع فزاینده تسلیحات و مالی نیاز دارد و منابع انسانی زیادی وجود دارد که آماده‌اند جان خود را برای ایدئولوژی جنایتکارانه این رژیم در خود اوکراین فدا کنند، در آینده، با طولانی شدن درگیری و گسترش آن، اوکراینی‌ها به وضوح متوجه خواهند شد و ناگزیر به اعتراض متناسب بخواهند خاست. و این هم مشکل کوچکی برای رژیم کی‌یف ایجاد نخواهد کرد.

در ضمن، تداوم وخامت شرایط اجتماعی-اقتصادی جمعیت اروپای غربی، سیاستمداران کشورهای اروپایی را تحت فشار جمعیت خود، وادار می‌کند تا پیامدهای دخالت خود در درگیری اوکراین را به طرز واقع‌بینانه‌تری ارزیابی کنند و نه تنها بفهمند، حتی برای جلوگیری از خطر قریب‌الوقوع جنگ جهانی سوم به اقداماتی دست بزنند.

* - در باره ویچسلاو زیلانوف- دکتر علوم اکولوژی و ایمنی زندگی، عضو کامل آکادمی بین‌المللی علوم اکولوژی و ایمنی زندگی، عضو شورای علمی و کارشناسی دانشکده بحری دولت فدراسیون روسیه، معاون سابق وزیر شیلات اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، عضو انجمن دانشمندان روسی با گرایش سوسیالیستی، کارگر افتخاری شیلات و...

نقل از : [تارنمای انجمن دانشمندان روسی با گرایش سوسیالیستی- روسو](#)

۲۱ دی- جدی ۱۴۰۱